

✽ **در رابطه با سالمندی جمعیت در اذهان عمومی پرستشی مطرح است مبنی بر اینکه آیا سالمندی جمعیت عیب محسوب می‌شود یا نه؟ چون به‌طور طبیعی هر انسانی بعد از طی دوره جوانی و میانسالی به سالمندی می‌رسد و جمعیت همه کشورهای این روند را طی خواهند کرد!**
قصد داریم جوانب این موضوع را روشن کنیم، حال قبل از ورود به بحث بفرمایید که از لحاظ آماری وضعیت جمعیت سالمند در سطح بین‌المللی چگونه است؟

خلیلی: این حرف از جبهتی درست است اما تنها یک جنبه این موضوع است. سازمان‌های بین‌المللی گزارشی را منتشر کردند مبنی بر اینکه در ۲۱ قرن سالمندی جهان است و کشورهای به بعدی‌ها یک کاهش نرخ باروری و افزایش سن امید زندگی را خواهند داشت یا در حال سالمند شدن هستند یا در آینده سالمند خواهند شد و راه گریزی از این مسئله نیست.

اگر به آمار جهانی نیز نگاه کنیم متوجه می‌شویم که این رویداد احتمال بالایی دارد؛ در سال ۲۰۱۹ جمعیت ۶۸اد سال و بالاتر از آن ۷۰۳ میلیون نفر گزارش شدند که تقریباً ۹ درصد از جمعیت کل دنیا را تشکیل می‌دهد، این اتفاق در سال ۲۰۵۰ به حدود ۱۶ درصد خواهد رسید و در واقع یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر از جمعیت دنیا، سنینی بالاتر از ۶۵ سال خواهند داشت.

✽ **این آمارها نشان می‌دهند که به‌طور طبیعی جمعیت جهان در حال سالمند شدن هست و سالمندی روندی رو به رشدی را در دنیا داشته است اما در اینجا سوألی مطرح هست که سهم مناطق مختلف از جمعیت سالمندی جهان چگونه است، آیا روند سالمند شدن همه کشورها با هم یکسان است؟**

خلیلی: برای پاسخ به این سوأل باید دوباره به آمارهای بین‌المللی بازگردیم؛ گزارش سازمان ملل، سهم جمعیت سالمند مناطق مختلف را بررسی کرده است، بر آن اساس شرق و جنوب آسیا در زمان حاضر حدود ۳۷ درصد از جمعیت سالمند دنیا را در خود جای داده‌اند؛ جالب است که بدانیم در سال ۲۰۵۰ این سهم ثابت خواهد بود.

منطقه اروپا و آمریکای شمالی در زمان حاضر ۳۰ درصد از جمعیت سالمند دنیا را تشکیل می‌دهند یعنی تقریباً از هر سه سالمند در جهان یک نفر در منطقه اروپا زندگی می‌کند، این سهم در سال ۲۰۵۰، ۱۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد؛ از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۵۰ جمعیت سالمند غرب آسیا و شمال افریقا حدود ۲۲۶ درصد در خود خواهد کرد، ایران در همین بازه زمانی ۷۳ درصد در سهم جمعیت سالمند جهان افزایش خواهد داشت.

✽ **در زمان حاضر اگر از مردم بپرسیم که چند کشور سالمند را با نام برد قطعاً به ژاپن یا آلمان اشاره می‌کنند و اگر از آنها سوأل کنیم که در آینده چه کشورهایی سالمند خواهند بود، دوباره چند کشور خاص را نام می‌برند، پس با توجه به آمارها، می‌فهمیم که این تصور عامیانه اشتباه است.**

خلیلی: درست است! آمارها این موضوع را تأیید نمی‌کند؛ مناطق مختلف جهان بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰ سهمشان از سالمندی تغییراتی نگسترده خواهد کرد؛ همان‌طور که گفتیم در سال ۲۰۵۰ کشورهای در حال توسعه در حدود ۷۰ درصد از جمعیت سالمندان دنیا را خواهند داشت و ایران هم جزو این کشورهاست.

✽ **در این میان چه اتفاقی می‌افتد؟ چطور است که با گذشت زمان برخی از کشورها سالمندتر نمی‌شوند و به سرعت به سوی سالمندی پیش می‌روند؟**

خلیلی: این به دو دلیل است؛ نخست اینکه این کشورها سالمندی خود را کمتر می‌کنند، دوم آنکه قیسه کشورهای جهان نیز در حال سالمند شدن هستند؛ این دو عامل توأم‌اند هستند، از طرف دیگر با توجه به آمار، سهم سالمندی در کشورهای توسعه‌یافته این مسئله را قوت می‌بخشد که رشد سالمندی در کشورهای در حال توسعه به‌شدت بالاست.

✽ **این که کشوروران به سوی سالمندی پیش می‌رود بر کسب پوشیده نیست، حال با توجه به آمارهای بین‌المللی بفرمایید که: از نظر مراحل مختلف سنی، وضعیت کشوروران در این پیش‌بینی‌ها چگونه است؟**

عالمی: در اینجا باید به این نکته توجه کنیم که اگر بخواهیم مردم را مخاطب قرار بدهیم، باید این آمارها را ساده کرد؛ در زمان حاضر بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ تقریباً ۱۷ درصد جمعیت کشورش از ۸۰ میلیون نفر است و آمار سالمندان با ۷/۵ میلیون نفر چیزی در حدود ۱۰ درصد این جمعیت

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ به‌رغم افزایش متولدین در سال‌های منتهی به سرشماری ۱۳۹۵، نرخ رشد جمعیت کاهش و میانه سنی جمعیت افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر جمعیت گروه سنی ۲۰ سال به بالا روند افزایشی خود را با سرعت بیشتر ادامه داده است.

حتی برخی جمعیت‌شناسان، از این اعداد و ارقام رایج، یا را فراتر گذاشته و برای به صدادر آوردن آژیر قرمز سالمندی و تشریح این بحران می‌گویند، هم‌اکنون بیش از ۷ درصد جمعیت کشورمان را افراد سالمند بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند که این آمار در چهار دهه آینده تقریباً دو برابر خواهد شد؛ به‌طوری‌که در سال ۱۴۲۹ به‌زای هر چهار نفر ایرانی، یک نفر سالمند خواهیم داشت؛ جهان در طول ۷۰ سال گذشته حدود پنج سال پیر تر شده است اما جمعیت ایران متأسفانه در ۶۰ سال گذشته ۱۰سال پیر تر شده است البته این اتفاق ثابت نمی‌ماند و ما همچنان در حال پیر تر شدن هستیم.

ایران در ۲۰ سال آینده پیر ترین کشور جهان خواهد بود؛ دکتر اکبری، مشاور عالی وزارت بهداشت این موضوع را «تلخ‌تر از پاندمی کرونا» دانسته است؛ این‌با بر آمار اعلام‌شده، سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷ ۱۷۰ هزار تولد کمتر در ایران ثبت شده است و سال ۹۷ هم

اجتماعی

۱۲۰ هزار تولد کمتر از سال ۹۶؛ اما چرا نسبت به این موضوع «هیچ صدایی از کسی بلند نمی‌شود»؟! چگونه است که با یک واقعه طبیعی مثل زلزله و سیل هبجان‌زده می‌شویم اما با کاهش ۱۷۰ هزار تولد در طول یک سال اتفاقی نمی‌افتد؟! کاهش موالید یک نتیجه طبیعی دارد و آن هم پیشروی به سوی سالمندی جمعیت است؛ اعدادی به‌دروغ القا می‌کنند که شرایط ما نگران‌کننده نیست و برای اعمال سیاست‌های تشویقی، چندان نیازی احساس نمی‌شود، اما چنین حرفی، یک آدرس و تحلیل غلط است، در زمان حاضر نه فقط کارشناسان داخلی بلکه پژوهشگران بین‌المللی هم اذعان کرده‌اند که آینده جمعیت ایران، تاریک و نگران‌کننده است؛ ما با ادامه این روند بی‌تردید ر کوردی را هم در حوزه سالمندی در سه دهه آینده ثبت خواهیم کرد و از ۱۰ درصد سالمندی فعلی به بیش از ۳۲ درصد در ۳۰ سال آینده می‌رسیم.

در میزگردی که با عنوان «سالمندی جمعیت ایران، پیامدها و تبعات آن» در خبرگزاری تسنیم برگزار شد، «مسعود عالمی نسی» جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه، «بدرام کویان» مدیر گروه جمعیت‌اندیشکده «پتان» و «پرواز خلیلی» پژوهشگر جمعیت و خانواده شر کت کردند که مشروح این میزگرد در ادامه می‌آید.

در میزگرد «سالمندی جمعیت ایران، پیامدها و تبعات آن» مطرح شد

سال ۱۴۳۰ از هر ۱۰ نفر ایرانی ۴ نفر سالمند خواهند بود!

حفظ سرمایه، سرمایه‌های خود را به بازار دلار، سکه و یا بورس وارد می‌کنند، این نشان از آینده‌نگری مردم دارد اما متأسفانه بحث سالمندی در زمان حاضر چنین جایگاهی در ذهن مردم ندارد. داه‌شمنی‌ها فکر می‌کنند همیشه جوان خواهند بود در حالی که این‌طور نیست اگر بخواهیم عمق فاجعه را بیان کنیم، باید بر جامعه دهه‌شمعی‌ها مروری داشته باشیم.

کویان: آمارهایی که ارائه شدند، همگی به دهه ۷۰ وارد سنین سالمندی می‌شوند که بالای ۶۰سال است؛ طبق آخرین آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ نیمی از زنان متأهل در سن باروری کشور (۱۵ تا ۴۰ سال) زنان متولد ۶ بودند؛ این افسردگی نیمی بدون فرزند یا تک‌فرزند بودند. این کسی است که سالمند خواهد شد، در سالمندی چه جدی و حتی است. اگر این آمار را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم می‌بینیم که در منطقه از هند، روسیه و عربستان نیز آمار سالمندی بیشتری خواهیم داشت.

در سال ۲۰۲۰ اندازه جمعیت ایران ۸۴ میلیون نفر برآورد شده است؛ از این مقدار بیش از پنج میلیون و ۵۰۰ هزار نفر سالمند ۶۵ سال به بالا خواهند بود که ۶/۶ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند این آمار حاکی از آن است که ما در زمان حاضر یک جمعیت میانسال داریم و سال ۱۳۸۵ ما به این مرحله سنی ورود کرده‌ایم، با در نظر گرفتن آمارهای سرشماری نفوس و مسکن و سازمان ملل متوجه می‌شویم که افزایش سالمندی کل یک نژم طبیعی است؛ ما می‌کنند اما از سال ۱۴۰۹ به بعد ما شاهد افزایش چندبرابری در جمعیت سالمندان کشور خواهیم بود.

✽ **جناب دکتر عالمی! شما به این نکته اشاره کردید که با ارائه آمار و ارقام، مردم تصور ملموسی از موضوع سالمندی نخواهند داشت، حال بفرمایید که در اینجا باید چه سوألی مطرح شود که مردم به عمق فاجعه پی ببرند؟**

عالمی: برای این کار باید مدارک و آمار علمی را به امور روزانه و ملموس مردم ترجمه کنیم؛ مثل اینکه در سال ۱۴۳۰ چند نفر نیروی کار خواهیم داشت؟ مسیحه چند نفر سر کار می‌روند؟ چند نفر در خانه می‌مانند؟ یا چند نفر در سرای سالمندان هستند؟ در این صورت به‌واقیعت بتوانیم سالمندی پی ببریم.

کویان: به‌طور ملموس باید خدمت مردم عزیز عرض کنیم که روزی فرا خواهد رسید که ما در خبرگزاری‌ها خواهیم خواند که «از فردا حقوق بازنشستگی قطع خواهد شد»؛ باید این‌طور بگوییم که این پدیده‌ای که حاکمیت نسبت به آن واکنش ندارد یک وجه مردمی نیز دارد، مردم خودشان هم باید بفکر باشند و باید به‌فکر آینده سالمندی خود باشند؛ اگر نظام بیمه فزود و فزودت‌چهاره بیمه بازنشستگی حذف شود، باید از الان برای آینده فکری کنیم؛ ما ایرانی‌ها اصولاً افراد دوراندیشی هستیم، شاهدیم که امروزه برای مثال مردم برای

حفظ سرمایه، سرمایه‌های خود را به بازار دلار، سکه و یا بورس وارد می‌کنند، این نشان از آینده‌نگری مردم دارد اما متأسفانه بحث سالمندی در زمان حاضر چنین جایگاهی در ذهن مردم ندارد. داه‌شمنی‌ها فکر می‌کنند همیشه جوان خواهند بود در حالی که این‌طور نیست اگر بخواهیم عمق فاجعه را بیان کنیم، باید بر جامعه دهه‌شمعی‌ها مروری داشته باشیم.

کویان: آمارهایی که ارائه شدند، همگی به دهه ۷۰ وارد سنین سالمندی می‌شوند که بالای ۶۰سال است؛ طبق آخرین آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ نیمی از زنان متأهل در سن باروری کشور (۱۵ تا ۴۰ سال) زنان متولد ۶ بودند؛ این افسردگی نیمی بدون فرزند یا تک‌فرزند بودند. این کسی است که سالمند خواهد شد، در سالمندی چه جدی و حتی حمایت قرار می‌دهد؟ فرزند این خانواده‌ها باید به خانواده خودشان رسیدگی کنند و یا به والدین سالمندشان بپردازند؟ ✽ **شما در واقع به تبعات و پیامدهای پدیده سالمندی جمعیت اشاره می‌کنید؛ در ابتدای میزگرد پرسشمی مطرح شد که آیا سالمندی جمعیت عیب محسوب می‌شود یا نه، با این حساب پاسخ به این پرسش ما را متوجه تبعات سالمندی می‌کند.**

عالمی: درست است؛ در توضیح پیامدها و عیوب این پدیده باید بگوییم که در آینده هزینه‌های بهداشتی ما بالا می‌رود و بنابراین باید متوجه می‌شویم که افزایش سالمندی کل یک نژم طبیعی است؛ ما می‌کنند اما از سال ۱۴۰۹ به بعد ما شاهد افزایش چندبرابری در جمعیت سالمندان کشور خواهیم بود.

✽ **حالا برای برون‌رفت از این معضل باید چه اقداماتی انجام دهیم؟ آیا به‌طور کلی می‌توان مانع از سالمندی جمعیت شد، تجربه باقی کشورها در این زمینه چه می‌گوید؟**

عالمی: شاهدیم برای مثال در کشورهایی همچون کشور ژاپن پیش‌بینی‌های لازم انجام می‌شود اما باید بدانیم که ژاپن چند دهه است که روی تکنولوژی و ربات‌ها سرمایه‌گذاری کرده است و دلیل آن آگاهی از وقوع سالمندی جمعیت بوده است؛ بر این اساس ژاپن تصمیم گرفته است بسیاری از خدمات سالمندان را به‌عهده تکنولوژی و ربات‌ها بگذارد. اگر بخواهیم کشور ایران را مثلاً با ژاپن مقایسه کنیم باید بپرسیم که: آیا کشور ما چنین تمهید و پیش‌بینی‌ای را انجام داده است؟ بایدیم بگوییم که نه، با ادامه این روند ما با وضعیتی رو‌به‌رو خواهیم شد که در آن نه خبری از ربات است، نه صندوق بازنشستگی و نه خدمات پزشکی و بهداشتی رایگان.

کویان: من در چند سالی که در حوزه سیاست‌پژوهی جمعیت فعالیت کردم، در نظام سیاسی‌گذاری کشور هیچ واکنشی در برابر پدیده سالمندی و خطرات آن ندیدم؛ وقتی اسناد مطالعاتی دنیا را نگاه می‌کنیم می‌بینیم که حتی کشورهایی که قرار نبوده است با پدیده سالمندی مواجه شوند، مطالعاتی مفصل در این رابطه داشتند

کویان: ما در این زمینه اگر کاری انجام داده‌ایم جنبه تشریفاتی داشته است. شاید جالب باشد که در سال ۱۳۸۲ به‌موجب قانون برنامه سوم شورای ملی سالمندان تشکیل شده و تا الان حتی یک جلسه آن برگزار نشده است؛ برای عقب رفتن ایران کشور در قوه مجریه در زمینه سالمندی و مواجهه با آن تمهیداتی بیندیشند که این اتفاق نیفتاد. باید

بدانیم همین ۱۰ درصد سالمندی که در زمان حاضر داریم نیز میزان کمی‌نیست طبق استانداردها می‌توانیم یک کشور با ۱۰ درصد سالمند را کشوری سالمند بنامیم.

عالمی: اول و آخر ما کشور سالمند خواهیم بود ولی می‌توانیم درجه آن را مدیریت کنیم به این معنی که مثلاً از ۴ نفر در ۱۰ نفر نسبت سالمندان را به یک نفر کاهش دهیم؛ ما اگر فرض کنیم که شرایط به همین شکل باقی می‌ماند یک مسئله به مسائل دیگرمان اضافه خواهیم کرد، مسائلی همچون بیکاری، بحران محیط زیست، مسائل اجتماعی و… یکی از بحث‌هایی که امروز مطرح می‌شود این است که «شما چه اضرائی دارید که بجهه اضافه شوند، همین امکانات موجود را بین همه تقسیم کنید»؛ بحث این است که ما با همه

در سقیه‌های به فضا رفته است، وقتی با او مصاحبه می‌کردند، می‌گفت که «این سقیه چندین دوربین دارد که من متخصص لنزهای یکی از دوربین‌های آن بودم». شما بشمارید برای ساختن یک سقیه چند متخصص نیاز است. این متخصصان باید همه در ردیف سنی جوان باشند، بنابراین اگر ما بخواهیم با این روند پیشش برویم نه از اقتصاد دانش‌بنیان خبری است و نه پیشرفت در باقی عرصه‌ها.

✽ **پس فرض به اینکه مردم متوجه تبعات سالمندی جمعیت شوند آیا به‌تنهایی کاری از دستشان برمی‌آید و توان مدیریت این بحران را خواهند داشت؟ نقش دولت در این رابطه چیست؟**

کویان: این‌طور نیست که تصور کنیم ۱۰ درصد جمعیت سالمند در زمان حاضر کم است و در آینده قرار است اوضاع وخیم شود نه در زمان حاضر اوضاع خراب است و در آینده خرابتر می‌شود. منتهای مراتب به‌خاطر بی‌عملی و فقدان همت در قوه مجریه بهتر است بیشتر بر این نگاه تأکید شود که سالمندی یک پدیده حاکمیتی صرف نیست، گرچه حاکمیت را با چالش‌های بزرگی روبه‌رو خواهد کرد.

بحث فرورپاشی نظام تأمین اجتماعی مسئله مهمی نیست مثل این است که بگوییم کشوری همه ارزش خود را از دست داده است. نظام تأمین اجتماعی هم در چنین سطحی است، چون قرار است با سازوکارهایی یک رفاه نسبی را در جامعه ایجاد کند؛ حالا فرض کنید این نظام به‌یک‌باره دچار فرورپاشی شود.

✽ **با توجه به ضعف عملکرد ارگان‌های دولتی و حاکمیتی به‌نظر می‌رسد راهکار ساده مدیریت سالمندی جمعیت در نهایت افزایش ازدواج و فرزندآوری است؛ در انتهای این بخش از میزگرد اگر در این رابطه توضیحی دارید بفرمایید.**

کویان: اگر مردم از دوره ازدواج و فرزندآوری خود خراج شوند، دیگر نمی‌توانند با مصائب سلامتی، بهداشتی و اقتصادی دوره سالمندی خود روبه‌رو شوند. من خیلی شفاف خطاب به مردم عزیزمان عرض می‌کنم که دولت به‌فکر آینده است و با سرعت زیادی در حال افزایش داده است؛ در ایران نیز عمده شرکت‌های دانش‌بنیان توسط جوانان تأسیس یا رشد پیدا کرده‌اند؛ برای مثال پارک علم و فناوری پردیس که نخستین پارک فناوری ایران است، مدیری ۳۵ساله داشته است.

از طرفی، ذهن یک سالمند برای فعالیت صندوق‌های بازنشستگی و نظام تأمین اجتماعی از فرزندآوری حمایت کند؛ خود مردم هم باید برای این‌که شرایط نسبتاً بهبودیافته‌ای داشته باشند به‌فکر باشند.

ضمن تأکید بر این حرف که حاکمیت و دولت باید در این راه به مردم کمک و از آنها حمایت کنند، تجربه من در چند سال پژوهش می‌گوید که در ۶ سال گذشته رئیس‌جمهور حتی یکبار در مورد سالمندی حرفی زده است چه بخواهد یا نباشد؛ سیاست‌هایی را در این زمینه در نظر می‌گیرد یا این شرایط مردم را روشن نگت دارد. بنابراین وضعیت پیش‌رو در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان بسیار وخیم خواهد بود.

نیست و امکان رعایت فاصله گذاری در این بخش وجود ندارد.

این در حالی است که وسایل حمل‌ونقل عمومی نظیر مترو و اتوبوس و همچنین شلوغی بازارهای از مهم‌ترین و پررنگ‌ترین دلایل شیوع کرونا هستند. اما ستاد کرونا نوعاً محدودیت‌ها را برای موادی در نظر می‌گیرد که نقش بسیار کمتری در شیوع ویروس کرونا دارند.

سیاست‌ها باید عوض شوند

به نظر می‌رسد تصمیم‌گیران در حوزه کرونا باید در اعمال سیاست‌های مدیریت، مقابله و پیشگیری از کرونا تغییرات ایجاد کنند و نباید در این زمینه به صحبت و توصیه با مردم اکتفا کرد و تا این وضعیت بحرانی به فاجعه تبدیل نشده مسئولان برای پیشگیری از این موضوع تصمیم مناسبی بگیرند. بیماری کرونا تا اینجا نشان داده از هیچ قاعداتی پیروی نمی‌کند و نمی‌توان دست روی دست گذاشت اما وضعیت بحرانی ادامه باید هیچ پیشگیری درباره کرونا نمی‌تواند بهتر از رعایت پروتکل‌ها باشد. کرونا دیواره راج حکومتی را برای مردم بی‌تفاوت هستند، ستاد کرونا هم سردرگم است در حالی که ستاد کرونا مسئول نظارت بر اجرای پروتکل‌های بهداشتی است، اگر تنها یکی از این دو یعنی مردم و ستاد کرونا، به وظیفه خود عمل کنند وضعیت کرونا خیلی بهتر می‌شود و همان‌طور که همه می‌دانیم پیشگیری مقدم بر درمان است.



اتوبوس و مترو شلوغ، جاده شمال قفل، بازار مملو از جمعیت

ویروس به کلی متفاوت است.

در موج جدید تعداد بستری‌ها بیش از ترخیص‌ها است و افزایش ابتلا به کرونا موجب بر شدن ظرفیت بخش مراقبت ویژه بیمارستان‌های تهران شده و متأسفانه برخی از بیماران کرونایی که احتیاج به بستری دارند باید منتظر بمانند تا یکی از بیماران ترخیص یا فوت کند تا تختی خالی شود و البته که حال برخی بیماران آنقدر وخیم است که نمی‌توانند منتظر بمانند.

خستگی کادر درمان

علاوه‌بر مشکل سرویس‌دهی به بیماران، مسئله دیگر افزایش فشار به کادر درمان است. کادر درمان سلامتی جسم و روحشان را در این راه گناشتند و بعد

مساجد، باشگاه‌های ورزشی و مواردی که شاید کمترین

اثرات را در رد شیوع این ویروس منحوس دارد، تعطیل می‌شوند ولی با سفرها و رعایت نکردن دستورالعمل‌های بهداشتی در مراکز عمومی و وسایل‌نقلیه عمومی برخوردی نمی‌شود و برای اینها تصمیم خاصی گرفته نمی‌شود.

این روزها قدرت انتقال کرونا افزایش یافته و تلخ‌ترین روزهای کرونایی در کشور به خصوص در تهران سببری می‌شود. دکتر زالی فرمانده ستاد کرونا تهران از اوضاع بحرانی در تهران خبر داده و این یعنی نمی‌توان به راحتی از کنار این موضوع گذشت و نشانی کشور در قوه مجریه در زمینه سالمندی و مواجهه هر مسئله اجتماعی و سیاست‌گذاری باید بدترین

صفحه ۸

سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۹

۲۵ صفر ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۵۸۶